



تاریخچه شهر شیراز

نام شیراز در کتیبه های هخامنشی تخت جمشید خوانده شده است ، اشیاء و ظروف تاریخی و مسکوکاتی که هم اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک موجود است از عظمت شیراز در عهد سلوکی ها ، اشکانیان و ساسانیان گواهی میدهد.

طبق روایات اساطیری شیراز در زمان فرزند تهمورث دومین پادشاه پیشدادی ساخته شده است. پس از حمله اعراب صفاریان و دیلمیان بر آبادانی شیراز افزودند. در سال ۱۰۷۹ هجری قمری شیراز بر اثر جاری شدن سیل سهمگین ویران شد و بسیاری از آثار تاریخی آن از میان رفت. همچنین این شهر در زمان حمله افغان ها خرابی ها را بیشماری را متحمل شد .

شیراز طی چند دهه اخیر توسعه و گسترش جالب توجهی یافته است و به یکی از شهرهای مهم و زیبای ایران تبدیل شده است . محیط مساعد شیراز در ادوار گوناگون، دانشمندان ، سخنوران و نویسندگانی بزرگ را در دامان خود پرورانده است که آثار جاویدان آنها میراث علمی و ادبی ایران را زنده و جاوید نگاه خواهد داشت .



مراکز باستانی و تاریخی

قصر ابونصر (تخت ابونصر)

در ۶ کیلومتری شرق شیراز بر بالای یک تپه بقایای بناها و یک حصار سنگی دیوارهای آجری ساختمانهای خشتی و آستانه های سنگی فرو افتاده دیده می شود.

بر اساس کاوشهای انجام شده در این محل نمونه های سفال و قطعات ظروف سنگی عهد هخامنشی را با سکه ها و آثاری دیگر از عهد سلوکی ، اشکانی و ساسانی کشف کرده اند. بر پایه این کشفیات معلوم شد که در عهد اشکانیان بنایی محکم و محصور در آنجا احداث شده و در زمان ساسانیان هم مورد استفاده کامل بوده است .

عمارت باغ ایلخانی

باغ ایلخانی از بناهای محمد قلی خان، ایلخان قشقایی است که در محله میدان شاه واقع شده است. این باغ یکی از فضاهای سبز دوره قاجاریه است که ساختمان کهنسال و عمارت قدیمی و دیدنی دارد. در محوطه این باغ یک عمارت کلاه فرنگی وجود دارد.

عمارت باغ نشاط

این بنا در ضلع شمالی پل عباسی و در میان فضایی سبز و گسترده قرار گرفته و مقر حکومت لار پس از دوران صفویه بوده است. مساحت قصر این باغ ۱۳۵×۳۵ متر است. این بنا که از ساختمانهای زیبا و بسیار دیدنی عصر صفویه است و هم اکنون از نظر حفظ و نگهداری در وضعی نامطلوب قرار دارد.

عمارت کلاه فرنگی باغ نظر

این باغ با انبوه درختان سر به فلک کشیده سرو و نارنج در سال های پیش از سلطنت کریمخان زند احداث شده است. کریمخان عمارت کلاه فرنگی، ارگ، دبوانخانه و بعضی از ساختمانهای دیگر را در آن محوطه بنا کرد. در دوره قاجار نیز حسین علی میرزای فرمانفرما عمارتی در نزدیکی عمارت خورشید احداث کرد. در وسط باغ نظر که به باغ موزه نیز مشهور است عمارت هشت ضلعی بسیار زیبایی ساخته شده که به کلاه فرنگی مشهور است.

قبر مادر نادر شاه

در ضلع شرقی قلعه اژدها پیکر و بر یک سطح مرتفع مشرف به شهر، بقایایی از قلعه ای تاریخی به جا مانده که به قبر مادر نادر شاه مشهور است. دیوارهای خارجی ساختمان مربع شکل و به ابعاد ۴/۵×۴/۵ متر است. ارتفاع این ساختمان ۹ متر می باشد.

مدرسه خان

بنای تاریخی مدرسه خان در شهر شیراز قرار گرفته است. این بنای تاریخی مدرسه ای وسیع و دلباز است که در دوران سلطنت شاه عباس کبیر به وسیله الله وردیخان والی فارس و فرزند او امامقلی خان ساخته شده است.

مدرسه آقاباباخان

این بنا از بناهای دوره قاجاریه است که در محله درب شاهزاده در جنب بازار وکیل و مسجد جامع قرار دارد و شالوده آن از کریمخان زند است. آغاز بنای مدرسه توسط مرحوم حاجی محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی صورت گرفته و مرحوم آقا باباخان حسین در حدود سال ۱۲۴۰ بنای مدرسه را تمام کرده است.

عمارت دیوانخانه

در نزدیکی ارگ کریمخانی، عمارتی وجود دارد که در گذشته عمارت دیوانخانه کریمخان زند بود و هم اکنون تنها عمارت سابق آن در قسمت شمالی باقی مانده است. این عمارت شامل یک تالار وسیع با سقفی بلند است که در گذشته دو ستون مرمر در جلو آن قرار داشت، اما آغا محمد خان قاجار آن دو ستون را به تهدان برد و به جای آنها دو ستون چوبی نصب کرد.

آرامگاه حافظ

حافظ از نام آورترین شعرا و عرفای ایران زمین است که در سال ۷۲۶ هجری قمری در شیراز متولد شد و در سال ۷۹۱ هجری قمری به سرای باقی شتافت. آرامگاه حافظ در مکانی به نام حافظیه در شمال شهر شیراز قرار گرفته دارد.

آرامگاه سعدی

سعدی نویسنده و سخن سرای بزرگ قرن هفتم هجری قمری در شیراز متولد شد و در آنجا و نظامیه بغداد به تحصیل پرداخت و سپس سفری طولانی به بین النهرین، شام حجاز و شمال آفریقا کرد. و پس از کسب تجارب فراوان به شیراز باز گشت.

آرامگاه شیخ اجل معروف به سعدی، در تنگ سعدی و در قریه ای به همین نام واقع شده است. هم اکنون این قریه با اتصال به شهر به شهرک سعدی معروف است. سعدی در سالهای بین ۶۹۵-۶۹۱ هجری قمری وفات یافت.

آرامگاه خواجوی کرمانی

خواجوی کرمانی در ۶۸۹ هجری قمری در کرمان متولد و در ۷۵۳ در شیراز وفات یافت. آرامگاه کمال الدین ابولعطاء متخلص به خواجوی (۷۵۳-۶۸۹ هق) در تنگ الله اکبر و در جوار دروازه قرآن شیراز قرار دارد.

آرامگاه وصاف

آرامگاه وصاف، نویسنده تاریخ وصاف در ضلع شمالی آرامگاه حافظ قرار گرفته است.

آرامگاه کوروش کبیر

در مسیر جاده اصفهان-شیراز در دشت مرغاب، آرامگاه کوروش کبیر قرار گرفته است. بنای آرامگاه مشتمل بر اتاقی چهار گوش است که بر فراز یک سکوی شش طبقه قرار دارد. زیر سقف اتاق تا سطح بالای بام آرامگاه، در حدود سه متر فاصله دارد و در این

فاصله، محل دو قبر تعبیه شده است که یکی را خوابگاه ابدی کوروش و دیگری را مدفن همسر او (کامان وان) مادر کمبوجیه

دانسته اند.

باغ گلشن

این باغ در منتهی الیه خیابان عفیف آباد واقع شده است. حدود ۱۲۷ هزار متر مربع مساحت دارد و از زیباترین باغ های تاریخی شیراز است. باغ گلشن در عصر صفویه از باغ های آباد و مهم شیراز به شمار می آمد و گردشگاه حکمرانان و پادشاهان بود. عمارت دو طبقه وسط باغ، آب نماها و زیرزمین های کاشی کاری شده از دیدنی های این باغ هستند. مالکیت این باغ هم اکنون در دست وزارت دفاع می باشد و به حوزه نظامی تبدیل شده است. عمارت، چاپخانه و حمام این باغ بسیار جذاب و دیدنی است.

باغ ارم

به عنوان یکی از زیباترین باغهای ایران در استان فارس قرار دارد. وجه تسمیه این باغ عمارت و باغی بزرگ است که به فرمان شداد پسر عماد فرمانروای عربستان جنوبی به منظور رقابت با بهشت ساخته شد. این باغ با انواع گلهای زینتی و گونه های گیاهی، باغ گیاه شناسی دانشگاه شیراز است.

باغ دلگشا

این باغ یکی از باغهای تاریخی شیراز است که در نزدیکی آرامگاه سعدی واقع شده است. سابقه آبادانی و رونق باغ دلگشا به دوران پیش از اسلام و به دوره حکومت ساسانیان نسبت داده می شود. این باغ ۵/۷ هکتار مساحت دارد و هم اکنون از گردشگاه های دیدنی شیراز است.

باغ چهل تن

در مساحتی کوتاه از شمال حافظیه، محوطه ای مشجر و با صفا وجود دارد که دارای چهل سنگ مزار هم اندازه است. قدمت این باغ به عهد کریم خان زند می رسد و گورهای داخل محوطه باغ نیز به نیمه دوه قرن ۱۳ هجری مربوط است.

باغ هفت تن

کمی بالاتر از باغ چهل تن، محوطه پر درخت دیگری به نام هفت تن با ایوان و بنای زیبایی وجود دارد. آرامگاه شاه شجاع شهریار آل مظفر، ممدوح و خواجه حافظ و متوفی به سال ۷۷۶ هجری در این باغ قرار دارد.

باغ جهان نما

در شهر شیراز در کنار خیابان دروازه قرآن باغی به نام جهان نما که از آثار بازمانده از دوران کریمخان زند می باشد وجود دارد. دیوار آجری با نمای ساده آن از بیرون نمایان است و درون آن باغ و عمارتی نظیر عمارت کلاه فرنگی با چهار حوض و محوطه ای وسیع که شبیه باغ موزه پارس است، قرار دارد.

باغ تخت

این باغ در شمال شهر شیراز در دامنه کوه بابا کوهی قرار گرفته است. اساس اولیه بنا در سال ۴۸۰ هجری به همت اتابک قراچه گذارده شد و به نام تخت قراچه موسوم است. در زمان آقا محمد خان قاجار (۱۲۶۰ هجری) محوطه و بنای جدیدی احداث کردند که به تخت قاجار معروف است. در حال حاضر این باغ قسمتی از یک پادگان نظامی است .

باغ و پارک سعدی

روبروی باغ جهان نما ، باغی مصفا با یک عمارت قدیمی از آثار حسینعلی میرزا ، فرزند فتحعلی شاه وجود دارد که حوض بزرگ آب و حجاری های ازاره جلو عمارت آن به سبک قدیم حفظ شده است . باغ کنونی قسمت کوچکی از باغ اصلی قدیمی است .

ارگ کریمخانی

ارگ کریمخانی در حقیقت اندرونی و قصر سلطنتی سلسله زندیه در شهر شیراز بود . این ارگ به شکل قلعه آجری با دیواره های بلند ساخته شده که در هر چهار گوشه آن برجی بزرگ بر پا است . ساختمان شهر بانی در مقابل این ارگ ساخته شده و از خود ارگ از سال ۱۳۵۰-۱۳۱۵ به عنوان زندان شهر بانی استفاده می شد.

بخشی از تالارها و اتاقهای مرمت شده آن نمونه ای زیبا از سبک معماری دوران زندیه را نشان می دهند .

قلعه اژدها پیکر

این قلعه روی یک سطح مرتفع در غرب شهر شیراز قرار گرفته است و طول و عرض آن به ترتیب ۷۰۰ متر و ۱۷۰ متر است . قلعه از سه بخش دیوار سنگی ، حاطی ، قلعه بالایی و میانی تشکیل شده است و قدمت آن با توجه به یافته های موجود به دوره پیش از اسلام میرسد. قلعه تا یک قرن پیش مسکونی بوده است و در زمان سلطنت رضا شاه بمباران شد.

قلعه ککها

در ۶ کیلومتری شرق دشت رزم جاوید ، دره ای به نام تنگ سام وجود دارد که قلعه ککا یکی از آثار باستانی مهم آن است. این قلعه در ۸ کیلومتری شمال روستای کوهستانی کلگه شیراز و در حصار تنگه های عنا و سه جک قرار دارد. قلعه یاد شده را از اقلاع اسماعیلیه می دانند و قدمت آن به قرن ششم هجری می رسد.

حمام باغ نشاط

در ضلع شمالی باغ نشاط ، حمام قصر که احتمالاً “ همزمان با آن بنا شده است قرار دارد. نقاشی های دیوارهای آن با ظرافتی خاص ترسیم شده اند و اینک نیازمند باز سازی و مرمت می باشند .

حمام وکیل

در جنب مسجد وکیل ، حمام وکیل قرار گرفته است که بر اثر تغییر وضع حمام های عمومی تا حدی از صورت اصلی خارج شده است. حمام وکیل مانند بازار و مسجد وکیل به دوره زندیه مربوط است .

آتشکده پاسارگاد

در فاصله ۱۵۰۰ متری از کاخ اختصاصی کوروش ، در قسمت شرقی دشت مرغاب دو تخته سنگ بزرگ سفید در مجاورت تپه کوتاه خاکی به فاصله ۹ کیلومتر از یکدیگر قرار گرفته اند .این دو تخته سنگ را آتشگاه یا قربانگاه پاسارگاد می دانند.

آتشکده صمیکان

این آتشگاه در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شیراز و در مسیر جاده ای متعلق به عهد ساسانیان قرار داشته و متعلق به همان دوره است.

جاذبه های طبیعی

آتشکده

در حاشیه جاده شیراز به استهبان در دامنه ارتفاعات خرمن کوه گردشگاهی ارزشمند وجود دارد که در حال حاضر بخشی از خدمات تفریحی این مسیر را به عهده دارد. این مکان چشمه و برکه ای بسیار زیبا دارد که علاوه بر قابلیت های گردشگاهی به عنوان حوضچه پرورش ماهی نیز مورد استفاده قرار می گیرد .

چشمه خارگان

چشمه خارگان در روستایی به همین نام در ۶۰ کیلومتری شیراز قرار دارد. محوطه اطراف چشمه همواره پذیرای انبوهی از بازدیدکنندگان و گردشگران در فصل های مختلف سال است .

تنگ خانی

این تنگه در ۲۹ کیلومتری شهرستان شیراز در نزدیکی روستای دارنگون و در مجاورت رودخانه قره آغاچ واقع شده است و دارای چشم اندازی مناسب برای گردشگران علاقه مند به ورزش های کوهستانی است . این تنگ در بهار و تابستان به عنوان تفرجگاه استفاده می شود.

تنگ الله اکبر

این تنگه را باید دروازه جلگه شیراز نامید و چون مشرف بر شهر شیراز می باشد دورنمای فرحبخش جلگه و منظره دل انگیز این شهر را بهتر از هر جای دیگری می نمایاند .

تنگه هرایزر

این تنگه با دره ای ژرف و پر آب در مجاورت شیراز-اهواز و در نزدیکی روستای هرایزر قرار گرفته است و دارای جنگل بلوط، بنه و بادام می باشد.

تنگ بوان

تنگ بوان در ۸ کیلومتری شرقی جاده شیراز- اهواز و در مسیر جاده آسفالت نورآباد-دشمن زیاری واقع شده است و در خان زینان به جاده آسفالت شیراز-کازرون متصل می شود.

این گردشگاه به علت نزدیکی به جاده اصلی در محور چهار استان فارس، بوشهر، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد قرار گرفته است و امکان دسترسی ساکنان شهرهای پر جمعیت این استان را در فاصله زمانی مناسب فراهم می آورد.

گردشگاه چشمه فیلی

چشمه فیلی در حاشیه شرقی دانشکده دامپزشکی و در مسیر راه ورودی به دشت بانس واقع شده است. وسعت این گردشگاه در حدود ۶۰ هکتار می باشد که خارج از منطقه قرق شده باجگاه است. این گردشگاه از مجموع دشت، دامنه و کوههای کم ارتفاع تشکیل شده است و محیط جالبی را برای استقاده مردم بوجود آورده است.

گردشگاه چشمه سلمانی

این گردشگاه در منطقه تنگ سعدی و در حاشیه ضلع جنوبی پارک ملی واقع شده است و چشم اندازهای طبیعی زیبا و هوای مطبوع دارد و همچنین راه ارتباطی آن از جاده آسفالت شیراز - خرّمه ره میگذرد و فاصله آن تا شیراز ۶ کیلومتر است.

گردشگاه چاه مسکی

این منطقه در ابتدای دشت چاه مسکی و در فاصله ۳۰ کیلومتری شیراز قرار دارد و دسترسی به آن از طریق جاده شیراز - مرودشت میسر است.

وسعت کنونی این گردشگاه در حدود ۳۰ هکتار است که به لحاظ چشم اندازهای طبیعی و آب و هوای مناسب از فضایی مطلوب برخوردار است. در این گردشگاه علاوه بر استفاده از امکانات بازدید از حیاب وحش می توان از نمایشگاه عکس های گونه های پرندگان و پستانداران نادر و همچنین از گونه های جانوری خشک شده بازدید کرد.

گردشگاه میان کتل

این منطقه در جنوب غربی دشت ارژن و در جنگلهای میان بنه (منطقه کوهستانی و زیستگاه گوزن زرد ایرانی) قرار گرفته است. این گردشگاه با فضای کوهستانی و پوشش انبوه جنگلی ویژه گیهای بی همتا دارد.

گردشگاه در مجاورت جاده قدیم شیراز - کازرون و در فاصله ۱۸ کیلومتری دشت ارژن واقع شده است. فاصله این گردشگاه تا جاده اصلی دشت ارژن - کازرون ۱۴ کیلومتر راه خاکی است.

بند بهمن

این بند به دوران ساسانی تعلق دارد و روی رودخانه قره آجاج احداث شده است و از جاذبه های طبیعی - تاریخی شهرستان شیراز به حساب می آید. بند بهمن در فاصله ۵۸ کیلومتری شیراز در منطقه کوار واقع شده است. در اطراف این بند درختان زیبا و چشم اندازهای دل انگیز طبیعی وجود دارد.

پارک ملی بمو

این پارک به وسعت ۴۸۰۷۵ هکتار در شمال شهر شیراز و در منتهی الیه شرق اقلیم مدیترانه ای گرم و خشک قرار گرفته است. جانوران پارک شامل: بز، قوچ، میش، آهو، پلنگ، روباه، کفتار، گربه وحشی، کبک، تیهو و..... هستند و از نظر پوشش گیاهی نیز تا کنون ۲۸۰ گونه گیاهی در آن شناسایی و نمونه برداری شده است.

دریاچه مهار لو

این دریاچه در ۲۷ کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع شده است. آب دریاچه از نظر کیفی شور و غیرقابل استفاده می باشد. از آب این دریاچه جهت تهیه و استخراج نمک طعام استفاده می شود و مکانی مناسب برای زیست پرندگان و حیوانات وحشی محسوب می شود. وسعت دریاچه ۶۰۰ کیلومتر مربع است.

دریاچه و تالاب ارژن

وسعت تقریبی این دریاچه در حدود ۲۰۰۰ هکتار و از جمله دریاچه های آب شیرین کشور است. این دریاچه بخشی از منطقه حفاظت شده ارژن و پریشان است که در فاصله ۶۰ کیلومتری شیراز و در مجاورت جاده اصلی شیراز - بوشهر قرار دارد. دریاچه ارژن یکی از زیستگاه های مهم پرندگان مهاجر است که در حدود نیمی از سال میزبان هزاران پرنده مهاجر است. این منطقه تابستانهای خنک و زمستانهای سرد دارد که معمولا در فصل زمستان با بارش برف همراه است.

منطقه گردشگاهی دریاچه ارژن به دلیل استقرار در مسیر جاده اصلی شیراز - کازرون، نزدیکی با آثار تاریخی نیشابور و غار شاپور و همچنین راه ارتباطی استان های خوزستان و بوشهر با شیراز از اهمیت ویژه جذب جهانگرد برخوردار است.

تالاب این دریاچه علاوه بر ارزشهای تفریحی ارزش اکولوژیکی ویژه دارد و در گذشته ای نه چندان دور در شمار محدوده حفاظت شده با عنوان پارک بین المللی ثبت شده و هم اکنون یکی از ذخایر بیوسفیر جهان محسوب می شود.

گردشگاه برم دلك

این گردشگاه در ۱۴ کیلومتری شرق شیراز واقع شده است. در چهار کیلومتری آثار باستانی قصر ابو نصر، تالابی وجود دارد که به نام دلك معروف است. آب این برم (چشمه) از چند شکاف کوه خارج می شود و در دامنه کوه تالابی را تشکیل می دهد. در اطراف این آبگیر نیزاری وجود دارد و در بدنه کوه مشرف بر تالاب سه تاقچه منقش در کوه حفر شده است که قدمت نقوش آن به عهد ساسانی می رسد.

اماکن زیارتی و مذهبی

مسجد وکیل

این مسجد به نام مسجد سلطانی وکیل معروف است و از آثار پر ارزش دوره زندیه به شمار می رود. این مسجد هم اکنون محل برگزاری نماز جمعه شیراز است. علاوه بر بزرگی از ارزش و اهمیت تاریخی نیز بر خوردار است. کاشی کاری زیبا، حجاری ستون های ۴۸ گانه و منبر یکپارچه مرمرین آن از شاهکارهای دوره زندیه به حساب می آید.

مسجد جامع عتیق

مسجد جامع عتیق از کهن ترین مساجد استان فارس است. این مسجد پس از لشکر کشی عمرو لیث صفاری در سال ۲۷۶ هجری قمری به شیراز به شکرانه پیروزی و تصرف این شهر بنا شد. کار ساخت این بنا، در سال ۲۸۱ هجری قمری خاتمه یافت مسجد نو شهیدا

نام این مسجد که پس از مسجد جامع عتیق، کهن ترین مسجد شیراز است در قدین مسجد اتابک بود. ساخت بنای اولیه این مسجد در سال ۵۹۸ هـ ق توسط اتابک سعدبن زنگی آغاز شد و در سال ۶۱۵ هـ ق به اتمام رسید.

آستانه سید علالدین حسین

این زیارتگاه که در جنوب شرقی شهر شیراز قرار دارد، بارگاه حضرت سید علالدین حسین برادر شاهچراغ است که در اواخر قرن دوم هجری و اوایل قرن سوم، هنگامی که برای دیدار برادر خود امام رضا از راه شیراز عازم توس بود در شیراز شهید و به خاک سپرده شد. بنای روی مقبره در آغاز در زمان قتلخ خان والی فارس ساخته شده ولی بنای اساسی تزئینات، کاشی کاری و گنبد سازی آن در زمان صفویه صورت گرفته است.

بقعه علی بن حمزه

این بقعه در کنار پل دروازه اصفهان قرار گرفته و محل دفن یکی از امامزادگان است که صحن و حرمی بزرگ و زیبا دارد.

آرامگاه شاه چراغ

حضرت میر سید احمد فرزند امام موسی کاظم (ع) معروف به شاه چراغ برادر حضرت امام رضا(ع) در آغاز قرن سوم هجری به شیراز هجرت نموده و در همانجا وفات یافته است.

موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان فارس

استان فارس یکی از استانهای جنوبی کشور میباشد. این استان از شمال به استان اصفهان، از شرق به استانهای یزد، از جنوب به استان هرمزگان و از غرب به استانهای کهگیلویه و بوشهر محدود می شود. وسعت استان فارس حدود ۱۳۳ هزار کیلومتر مربع است و تقریباً "۱/۸ درصد مساحت کشور را تشکیل می دهد.

آب و هوای فارس در شمال سردسیر، در نواحی مرکزی زمستانها معتدل و بارانی و تابستانهای گرم و خشک، و در جنوب و جنوب شرقی زمستانها معتدل و بارانی و تابستانها بسیار گرم میباشد. زبان اکثریت مردم فارسی است اما عشایر ترک زبان (ایل قشقایی) به ترکی و عشایر عرب زبان (ایل عرب) به عربی صحبت میکنند .

یکی از مناطق مهم عشایری ایران، استان فارس می باشد و بزرگترین ایل ایران (ایل قشقایی) با شش طایفه در فارس به کوچ روی ادامه می دهند. علاوه بر ایل قشقایی ایل خمسه و ایل محسنی و همچنین طوایف کوچکتری به زندگی عشایری خود در فارس ادامه می دهند .

براساس آخرین تقسیمات کشوری استان فارس به ۱۶ شهرستان ۴۸ شهر ۶۰ بخش و ۱۸۵ دهستان تقسیم شده است منطقه فارس یکی از قدیمیترین مراکز تمدن ایران است . فارس در کتیبه های هخامنشی به صورت پارسه و در نوشته های یونانی پرمیس آمده و معرب آن فارس است.

صنایع دستی

هم اکنون تولید انواعی از صنایع دستی در مناطق عشایری و روستایی و نیز در شهرهای استان فارس رواج دارد. بیشترین تعداد صنعتگران دستی در گروه بافته های داری - قالی، گلیم و گبه - قرار دارد. پس از آن باید از خاتم - خاتم سازی و خاتم کاری - یاد کرد. پس از آن معرق چوب، منبت کاری چوب، ریزه کاری، نقاشی روی چوب سفال و سرامیک سازی، کاشی معرق کاشی هفت رنگ و نقاشی روی سفال. از رشته های رایج در استان فارس طراحی و نگارگری (نگارگری، گل و مرغ سازی، تذهیب و تشعیر) است.

رنگرزی گیاهی و استفاده از مواد ملونه طبیعی در رنگرزی خامه و ابریشم نیز کاری پررونق در استان فارس است. در زمینه فلز کاری و هنرهای مرتبط با فلز نیز استان فارس از سابقه طولانی برخوردار و آثار نقره کاری و قلمزنی روی نقره آن شاخص است. سایر رشته های صنایع دستی رایج در این استان عبارتند از: دوخت لباسهای محلی عروسک سازی، در پیکر تراشی، نمدمالی، سراجی، رودوزی های سنتی، بافتنی ها، نقشه کشی فرش، گچ بری، سنگتراشی، ساخت گلهای مصنوعی، آینه کاری، چاقو سازی و ساخت زیورآلات .

گلیم:

در استان فارس بخش عمده ای از تولید گلیم توسط زنان و دختران عشایر ساکن و کوچ رو قشقایی انجام می شود. برای بافت گلیم معمولاً از نقشه استفاده نمی کنند. نقشه ها ذهنی هستند و معمولاً از طرح هایی استفاده می شود که از نسل های گذشته به حال انتقال یافته و تغییرات جزئی در همان چهارچوب آداب و رسوم موجود در منطقه است. البته در سالهای اخیر با راه یافتن گلیم بافی به مناطق شهری و روستایی استفاده از نقشه تا حدودی در گلیم بافی رایج شده است. برای رنگرزی نخ های پشمی مورد مصرف در پود گلیم از رنگهای گیاهی یا رنگهای شیمیایی استفاده می شود. مهمترین مراکز تولید گلیم در استان فارس منطقه فیروزآباد، ممسنی و داراب است. گلیم های قشقایی نه تنها در ایران که در سطح جهان نیز به واسطه اصالت نقش ها و رنگ های زیبا و کیفیت ممتاز بافت مشهور و مورد تقاضا است.

قالی:

هنر و صنعت بافندگی فارس در وهله نخست، هنری عشایری و در وهله دوم هنری روستایی است که وابستگی به عشایر دارد. عشایر فارس بویژه قشقاییها و ایل خمسه بیش از دیگر عشایر به این هنر اشتغال دارند و روستائیان که در مسیر این ایل ها زندگی می کنند نیز به کار تولید قالی و سایر دستبافت ها مبادرت می کنند. فرش بافان این استان معمولاً دست بافت های خود را نه به عنوان یک کالای تجارتي بلکه برای خود تولید می کنند و چون دنباله رو نوسانات بازار فرش نیستند، طرح های آنها دارای رنگ آمیزی و طراوت خاصی است. البته در سالهای اخیر بافندگان عشایری به بافتن فرش برای فروش و به سلیقه مصرف کنندگان روی آورده اند. لیکن غالباً همان ذهنی بافی و رنگهای مرسوم پیشینیان خود را ادامه می دهند.

این «هنر - صنعت» به طور عمده به دست زنان انجام می شود. به طور کلی تولید دستبافته ها از مرحله ابتدایی تا آخرین مرحله به دست زنان صورت می گیرد. دار قالی ایل قشقایی مانند سایر عشایر افقی است و بافنده برای بافتن بر روی زمین می نشیند.

بیشتر دارهای روستایی نیز افقی و گاه عمودی است. علت استفاده عشایر از دار افقی به این دلیل است که با زندگی کوچ نشینی آنها هماهنگی داشته و حمل آن بر پشت چارپایان به سهولت انجام می گیرد.

اکثر قالیچه های ایلات خمسه کار تیره عرب و باصری است. قالیچه های این دو تیره دارای طرح های متنوع و فارسی باف است و سراسر از پشم تهیه می شود. روستائیان فارس نیز هر سال تعداد زیادی قالیچه می بافند. این روستائیان که پیشینه ایلی و چوپانی دارند همانند عشایر از دارهای افقی استفاده می کنند ولی قالیچه های آنها از نظر جنس، مرغوبیت قالیچه های ایلات را ندارد.

فرش های قشقایی معمولاً به طریق «ذهنی بافی» بافته می شود. این نقشه های ذهنی نوعی بازآفرینی سنتی است که از نسل های پیشین به امروزیان رسیده است. بافندگان ایلی همان نقوش را تکرار می کنند بدون آنکه از نقشه استفاده کنند. از این رو معمولاً هیچ دو فرشی کاملاً و عیناً شبیه یکدیگر نیست. بافندگان تازه کار از سرمشق هایی کمک می گیرند که «حور» نامیده می شود. بافندگان قشقایی این سرمشق ها را که یک یک نقشمایه ها و نگاره های اصلی بر آن بافته شده است. «دستور» می گویند. رنگ قالی های قشقایی کاملاً به سلیقه و خواست بافنده ارتباط دارد.

قالی های فارس اکثراً نرم و تا اندازه ای ظریف و نازک هستند و وجه تمایز آنها با سایر فرش ها نیز همین صفات است. گره در قالی های فارس هم به صورت متقارن (ترکی) و هم به صورت نامتقارن (فارسی) استفاده می شود. بافت قالی در اکثر مناطق عشایری و روستایی استان فارس رواج دارد و افزون بر مناطقی که ایل قشقایی در آن اسکان دارند. قالی بافی در دیگر شهرها و روستاهای استان منجمله در آباده و شیراز و فسا نیز مرسوم و متداول است.

گبه:

گبه نوعی قالی گره بافته است با پرزهایی بلند که حداقل یک سانتی متر و پودهای متعدد (بین ۳ تا ۸ پود در هر ردیف) و معمولاً درشت بافت است. این بافته معمولاً در ایلات و عشایر جنبه خودمصرفی دارد. در گبه های قشقایی برخلاف گبه های سایر نواحی ایران که خودرنگ است، بافنده از رنگ ها و نقش های متفاوتی استفاده می کند. البته گبه هایی با نقش ساده با زمینه ای یکرنگ یا رنگهای محدود نیز بافته می شود. از نقش های مورد علاقه لبه بافان ایل قشقایی نقش شیر است که علاوه بر اهمیت باستانی این نقش مظهر جوانمردی است و بی ارتباط با وجود شیر در منطقه کامفیروز و دشت ارژن فارس نیست. نقش های لچک ترنج، ستاره، نقش خستی، نقش حیوانات مختلف و ... نیز در گبه بافی کاربرد دارد. گبه های قشقایی تمام پشم هستند و تار آنها نیز پشمی است. اندازه گبه متفاوت است. معمولاً اندازه ۲۰۰×۱۰۰ یا ۱۱۵×۲۰۰ سانتی متر متداول تر است.

جاجیم:

از بافته های عشایر قشقایی جاجیم است که برای پوشاندن رختخواب و اثاثیه درون چادر استفاده می شود از این رو به آن «پوشن» نیز می گویند. جاجیم های کوچک به عنوان روانداز نیز کاربرد دارد. جاجیم به رنگهای مختلف بافته می شود و رنگ های روشن در بافت آن بیشتر به کار می رود. معمولاً تار و پود آن هم رنگ است. نقوش جاجیم که برای تزیین آن به کار می رود عبارتند از:

نقش شطرنجی، نقش آینه کگل، نقش کنگره، نقش موازی، نقش حوض، نقش مدخل، نقش لوزی و

جاجیم گل برجسته (گلیم گل برجسته):

گلیم گل برجسته یا گلیم سوزنی از بافته های خاص منطقه فارس و ایل قشقایی بویژه طایفه کشکولی است. این بافته شباهت به گلیم دارد با این تفاوت که قسمت هایی از آن به صورت پود پیچی بافته می شود و به شکل برجسته در روی کار نمایان است.

جاجیم های گل برجسته معمولاً زمینه ای روشن دارند و نقوش آنها دارای رنگهای متنوع و ترکیبی از نقوش گلیم و قالی است. بافت آن از تار و پود پشمی یکرنگ است. ابعادش معمولاً همان ابعاد گلیم و ابزار کار و حتی نحوه چله کشی این بافته دقیقاً همانند گلیم است.

رنگرزی سنتی:

در شیراز و برخی دیگر از شهرهای استان فارس، کارگاههای متعدد رنگرزی با مواد ملونه طبیعی (گیاهی) وجود دارد که در این کارگاهها با بهره گیری از مواد رنگرزی همچون نیل، اسپرک، خوشک، روناس و ... و استفاده از دندانهای نظیر زاج سفید، زاج سیاه و زاج سبز، اقدام به رنگرزی خامه و ابریشم می کنند.

رنگهای طبیعی به واسطه دوام زیاد، متناسب بودن با مواد اولیه مورد استفاده در بافت زیراندازها و حالت زیبا، مخملی و دل نوازی که به بافته ها می بخشد در مقایسه با رنگهای شیمیایی (حتی رنگهای کاملاً ثابت شیمیایی) از رجحان و برتری برخوردار است. رند:

رند، نوعی گلیم بسیار ریزبافت و ظریف منطقه فارس است که به آن سوزنی هم می گویند. این بافته فرش مانند از کارهای

زیبای عشایر قشقایی است. شیوه بافت آن مانند ورنی و شیرکی پیچ به طریق پودپیچی است.

این بافته که مانند سایر بافته های ایلی بر روی دار افقی بافته می شود جنبه خودمصرفی دارد و به علت وقت گیر بودن در مناطق قشلاقی ایل بافته می شود. در این نوع بافته به علت پودپیچی به دور تارها و استفاده از پود نازک و قطع نکردن پودهای اضافی، بافته ای که به دست می آید یک رو بوده و درشت کار که می توان پودهای اضافی را دید. رنگ این نوع بافته معمولاً تیره و روشن و نقوش آن همان نقوشی است که در قالی و گلیم به کار می رود..

خوابگاه (مفرش):

عشایر قشقای از مفرش برای جای دادن رختخواب و البسه استفاده می کنند. این محصول به شکل مکعب مستطیل بوده و اندازه آن تقریباً $50 \times 80 \times 80$ سانتیمتر است که به وسیله بندهای چرمی و قلاب های نر و ماده بسته می شود. در دو طرف مفرش دو دستگیره چرمی دارد. مفرش از وسایل اصلی هر سیاه چادر و هر خانواده ایلی است.

تار مفرش از نخ و پود آن پشمی است و رنگ های به کار رفته در آن بیشتر قرمز، سرمه ای و آبی است. نقش های مفرش محدود است و این به علت شیوه بافت آن است، در حقیقت رنگ به وجود آورنده نقش در مفرش است و نوع بافت در همه نقوش یکسان است.

خاتم سازی:

نام شیراز با خاتم توام بوده و نام خاتم، شیراز را به ذهن و خاطر می آورد. چرا که از دوره صفویه به این سو، شهر شیراز به عنوان خواستگاه هنر خاتم سازی، مهمترین مرکز خاتم سازی ایران بوده و هست و شاخص ترین خاتم سازان شیرازی چون صنیع خاتم، گلریز خاتمی، حکیم الهی و ... همواره سهم شایسته ای هم در تولید و عرضه آثار ممتاز خاتم و هم در تربیت نیروی انسانی و خاتم سازان جدید داشته اند. خاتم شیراز به واسطه کیفیت مناسب و طرحهای اصیل و مواد اولیه مرغوب، از جایگاه مناسبی در خاتم سازی ایران برخوردار است.

منبت کاری:

در استان فارس و بویژه در شهر آباد، منبت کاری شهرتی دیرینه دارد و در این شهر زیباترین آثار منبت چوب به صورت جعبه ها، صفحات شطرنج، مبلمان، میز و ... عرضه می شود. ضمن آنکه منبت کاری در شهر شیراز هم از رونق خوبی برخوردار است.

ساخت و قلمزنی نقره:

شهر شیراز به واسطه آثار تهیه شده از نقره و نیز قلمزنی های شاخص انجام شده بر روی نقره که با طرح های زیبایی از تخت جمشید مشخص می شود و به صورت گیره های استکان و لیوان، سینی و ظروف دیگر عرضه شده است. از قدیم الایام دارای

شهرت و اعتبار بوده است و در حال حاضر این «هنر- صنعت» اگر چه همچون گذشته های نه چندان دور رونق ندارد اما همچنان به حیات خود ادامه می دهد و آثار تولیدی از کیفیت مطلوبی برخوردار است.

سایر صنایع دستی

در استان فارس، گیوه بافی و گیوه دوزی، نمدمالی و کلاه مالی، رودوزی های سنتی، سفال و سرامیک و کاشی و برخی دیگر از انواع صنایع دستی همچون آئینه کاری، گل سازی، ساخت زیورآلات و ... نیز مرسوم و متداول است.

تخت جمشید

پرسپولیس، یا آنگونه که شناخته تر است "تخت جمشید"، مجموعه ای از کاخهای بسیار باشکوهی است که ساخت آنها در سال ۵۱۲ قبل از میلاد آغاز شد و اتمام آن ۱۵۰ سال به طول انجامید. اسکندر مقدونی در یورش خود به ایران در سال ۳۳۱ قبل از میلاد، آنرا به آتش کشید. تاریخنگاران در مورد علت این آتش سوزی اتفاق رای ندارند. عده ای آنرا ناشی از یک حادثه غیر عمدی میدانند ولی برخی کینه توزی و انتقام گیری اسکندر را تلافی ویرانی شهر آتن بدست خشایار شاه علت واقعی این آتش سوزی مهیب میدانند.

از آنچه امروز از تخت جمشید بر جای مانده تنها می توان تصویر بسیار بهمی از شکوه و عظمت کاخها در ذهن مجسم کرد. با این همه می توان به مدد یک نقشه تاریخی که جزئیات معماری ساختمان کاخها در آن آمده باشد و اندکی بهره از قوه تخیل، به اهمیت و بزرگی این کاخها پی برد. نکته ای که سخت غیر قابل باور می نماید این واقعیت است که این مجموعه عظیم و ارزشمند هزاران سال زیر خاک مدفون بوده تا اینکه در اواخر دهه ۱۳۱۰ خورشیدی کشف شد.

داریوش

مقبره کوروش

چیزی که در نگاه اول در تخت جمشید نظرچیزی که در نگاه اول در تخت جمشید نظر بیننده را به خود جلب می کند، کتیبه ها و سنگ نبشته های گذر خشایار شاه است که به زبان عیلامی و دیگر زبانهای باستانی تحریر شده است. از این گذر به مجموعه کاخهای آپادانا می رسیم، جایی که در آن پادشاهان بار میدادند و مراسم و جشنهای دولتی در آن برگزار می شد. امروزه مقادیر عمده ای طلا و جواهرات در این کاخها وجود داشته که بدیهی است در جریان تهاجم اسکندر به غارت رفته باشد. تعداد محدودی از این جواهرات در موزه ملی ایران نگهداری می شود. بزرگترین کاخ در مجموعه تخت جمشید کاخ مشهور به "صد

ستون" است که احتمالاً یکی از بزرگترین آثار معماری دوره هخامنشیان بوده و داریوش اول از آن به عنوان سالن بارعام خود استفاده می کرده است. تخت جمشید در ۵۷ کیلومتری شیراز در جاده اصفهان و شیراز واقع شده است.

تخت جمشید، که ایرانیان پارسه و یونانیان پرسپولیس میخواندندش، نه یک پایتخت سیاسی بلکه کانون ملی و نماد یکپارچگی شاهنشاهی نوپای هخامنشی بود. آنچه بنیانگذار تخت جمشید، داریوش بزرگ در نظر داشت، دولتی بود که در سایه اقتدار آن اقوام گوناگون با خصوصیات فرهنگی و سنتهای خاص خود و با حفظ زبان و مذهب و آئینهای خود به آرامش در کنار یکدیگر زندگی توانستند کرد.

اصولی که بر پایه آنها شاهنشاهی ایران ۲۵۶۴ سال پیش بدست کورش کبیر بنیان نهاده شد، دگر بار در سنگ نبشته ای از داریوش متجلی میشود:

"من، داریوش شاه، ناتوانان را پشتیبان هستم و اجازه نخواهم داد که توانمندان به آنان بیداد روا دارند. ...ای مردم، به اراده اهورامزدا من، داریوش، از شما میخواهم که ناتوانان را پشتیبان باشید و در برابر توانمندان و توانگران بیدادگر بایستید."

روح اغماض، تسامح، دادگری و انساندوستی در دولتی که به رسالت اخلاقی خود نیک آگاه بود و خود پرچمدار این آرمانها بود، میبایست در معماری و هنر آن نیز بازتاب میافت. مظهر اقتدار و عظمت شاهنشاهی ایران تخت جمشید بود و هنر آن اقوام و نژادهای گوناگون، از لیبی و اتیوپی و مصر تا هندوستان، از رودخانه دانوب تا رود سند، از کوهستانهای قفقاز تا دشتهای آسیای میانه و از دریاچه آرال تا خلیج فارس، همه را اطمینان بخش این نکته بود که صرفنظر از نژاد، مذهب، رنگ پوست و زبان، اعضا برابر یک جامعه بزرگند.

داریوش معماران و هنرمندان را از چهارگوشه شاهنشاهی پهناورش گرد آورد تا با مصالح و فنون خاص خود و طرح ریزی و اجرای ایرانی بناهایی بیافرینند که تا آلمان در جهان همتایی نداشتند و از نظر مقیاس و شکوهمندی و نیز ابداع فنون نوین معماری و ظرافت به کمال رسیده شان در زمره عجایب دوران باستان بشمار میروند

ویرانه‌های تخت جمشید در ۶۰ کیلومتری شمال شیراز و دامنه کوه «رحمت» واقع شده است. تخت جمشید را داریوش اول هخامنشی بنیان گذاشت.

آثار باقیمانده در تخت جمشید عبارتند از: دروازه ملل، دروازه ناتمام، کاخ صد ستون، کاخ آپادانا، کاخ تچر، کاخ هدیش، کاخ اردشیر سوم، کاخ حرمسرا، کاخ خزانه ۶۵، دیوار دفاعی، کاخ مرکزی، پلکان ورودی، مقبره های هخامنشی ۶۶، سنگ نبشته‌ها و کتیبه‌های شاهان هخامنشی، عمارت چهارستونی پایین صفه و بقایای شهر هخامنشی (پارسه) در قسمت جنوبی تخت.

از مهم‌ترین اسناد تاریخی موجود در تخت جمشید، نقوش پلکان شرقی کاخ آپاداناست که اقوام و ملل تابعه دولت هخامنشی را در لباس های محلی خود و هنگام حمل هدایا به دربار هخامنشی نشان داده است

پارِسَه

هخامنشیان عادت باستانی کوچ کردن را فراموش نکردند، و معمولاً همه سال را در یک جا به سر نمی‌بردند، بلکه بر حسب اقتضای آب‌وهوا، هر فصلی را در یکی از پایتخت‌های خود سر می‌کردند. در فصل سرما، در بابل و شوش اقامت داشتند، و در فصل خنکی هوا به همدان می‌رفتند که در دامنه کوه الوند افتاده بود و هوای لطیف و تازه و خنک داشت. این سه شهر «پایتخت» به معنی اداری و سیاسی و اقتصادی بودند، اما دو شهر دیگر هم بودند که «پایتخت آئینی» هخامنشیان بشمار می‌رفتند، یکی پاسارگاد که در آن جا آیین و تشریفات تاجگذاری شاهان هخامنشی برگزار می‌شد، و دیگری «پارِسَه» که برای پاره‌ای تشریفات دیگر به کار می‌آمد. این دو شهر «زادگاه» و «پرورشگاه» و به اصطلاح «گهواره» پارسیان به شمار می‌رفت، و گور بزرگان و نام‌آوران آنان در آن جا بود و اهمیت ویژه‌ای داشتند؛ به عبارت دیگر، این‌ها مراکز مذهبی ایرانیان هخامنشی بودند، مانند اورشلیم و واتیکان، که نظر به اهمیت آئینی خود، مرکز ثقل بسیاری از حوادث بوده‌اند. البته از این دو تخت جمشید بیش‌تر اهمیت داشته است و به همین دلیل، اسکندر مقدونی آن را به عمد آتش زد تا گهواره و تکیه‌گاه دولت هخامنشی را از میان ببرد و به ایرانیان بفهماند که دیگر دوره فرمانروایی آنان به سر آمده است.

نام اصلی این شهر پارِسَه بوده است که از نام قوم پارسی آمده است و آنها ایالت خود را هم به همان نام پارس می‌خواندند. پارسه به همین صورت در سنگ نوشته خشیارشا بر جرز درگاه‌های «دروازه همه ملل» نوشته شده است، و در لوحه‌های عیلامی مکشوفه از خزانه و باروی تخت جمشید هم آمده است. یونانیان از این شهر بسیار کم آگاهی داشته‌اند، به دلیل این که پایتخت اداری نبوده است، و در جریان‌های تاریخ سیاسی، که مورد نظر یونانیان بوده، قرار نمی‌گرفته. به علاوه، احتمال دارد که به خاطر احترام ملی و آئینی شهر پارسه، خارجیان مجاز نبوده‌اند به مکان‌های مذهبی رفت و آمد کنند و در باب آن آگاهی‌هایی به دست آورند؛ همچنان که تا پایان دوره قاجار، سیاحان اروپایی کم‌تر می‌توانستند در باب مشاهد و امام‌زاده‌های ایرانی تحقیق کنند. بعضی گمان کرده‌اند که در برخی از نوشته‌های یونانی از پارسه به صورت پارسیان persai و یا شهر پارسیان Persia نام رفته است، اما این گمان مبنای استواری ندارد.

پَرِسَه پُلِیس

نام مشهور غربی تخت جمشید، یعنی پُرسِه پُلِیس (Perse Polis) ریشه غربی دارد. در زبان یونانی، پُرسِه پُلِیس و یا صورت شاعرانه آن پُرسِپ تُولِیس Persep tolis لقبی است برای آتنه، الهه خرد و صنعت و جنگ، و «ویران کننده شهرها» معنی می دهد. این لقب را آشیل، شاعر یونانی سده پنجم ق.م. در چکامه مربوطه به پارسیان، به حالت تجنیس و بازی با الفاظ، در مورد «شهر پارسیان» به کار برده است (سُکنامه پارسیان، بیت ۶۵). این ترجمه نادرست عمدی، به صورت ساده ترش، یعنی پرسه پلیس، در کتب غربی رایج گشته و از آن جا به مردم امروزی رسیده است. خود ایرانیان نام «پارسه» را چند قرن پس از برافتادنش فراموش کردند چون کتیبه ها را دیگر نمی توانستند بخوانند و در دوره ساسانی آن را «صدستون» می خواندند. البته مقصود از این نام، تنها کاخ صدستون نبوده است، بلکه همه بناهای روی صفا را بدان اسم می شناخته اند. در دوره های بعد، در خاطر ه مردم فارس، «صدستون» به «چهل ستون» و «چهل منار» تبدیل شد. جُزفاً باربارو، از نخستین اروپاییانی که این آثار را دیده است (سال ۱۴۷۴ میلادی)، آن را چَل منار (چهل منار) خوانده است. (۳) پس از برافتادن هخامنشیان خط و زبان آنها نیز بتدریج نامفهوم شد و تاریخ آنان از یاد ایرانیان برفت، و خاطره شان با یاد پادشاهان افسانه ای پیشدادی و نیمه تاریخی کیانی درهم آمیخت، و بنای شکوهمند پارسه را کار جمشید پادشاه افسانه ای که ساختمان های پرشکوه و شگرف را به او نسبت می دادند دانستند و کم کم این نام افسانه ای را بر آن بنا نهادند.

کاربرد بناهای تخت جمشید

تخت جمشید در دل استان فارس، یعنی میهن هخامنشیان، بنا شده است. داریوش بزرگ در حدود ۵۱۸ ق.م. صخره بزرگی را در حدود شمال غرب کوه مهر (= کوه رحمت) برگزید تا کوشک شاهانه ای بر روی آن بنا نهد، وی و پسرش خشایارشا، و پسرزاده اش اردشیر یکم، بناهای با شکوه تخت جمشید را بر آن جا بنا کردند. بر این نکته باید تأکید کرد که هدف داریوش بزرگ از ساختن این کوشک در سرزمین فارس، ساختن یک پایتخت اداری و سیاسی نبوده، زیرا که این مکان از مرکز دولت دور بوده، بلکه می خواسته است مرکزی برای تشریفات ایرانی درست کند. ارنست هرتسفلد Ernst Herzfeld که در سالهای ۱۹۳۰ در تخت جمشید حفاری می کرد، گفته است: «چنان می نماید که تخت جمشید جایی بوده است که به علت های تاریخی و علایقی ریشه دار در زادگاه دودمان هخامنشی ساخته شده و نگرهبانی گشته و تنها در مواقع برگزاری مراسم و تشریفات خاص از آن استفاده می شده است» بسیاری از محققان معتقدند که تخت جمشید تنها برای برگزاری جشن نوروز، که هم عیدی شاهی و هم جشنی دینی و هم آیینی ملی بود، به کار می رفت. استاد و. لنتس W. Lentz استدلال کرده است که داریوش بزرگ جایگاه و جهات این کوشک را بر طبق محاسبات نجومی ساخته است و محور تابش خورشید به هنگام دمیدن، در روزهای معینی از

سال با محورهای عرضی و طولی تخت جمشید رابطه می‌یابد. از سوی دیگر کارل نیلندر Carl Nylander معتقد است که شواهدی برای برگزاری جشن نوروز در تخت جمشید در دست نیست و کالمیر Peter Calmeyer نقوش تخت جمشید و متون یونانی را مقایسه کرده و به همان نتیجه رسیده است. عده‌ای هم با توجه به اسناد دیوانی و کاربرد برخی از بناها (مثلاً حرمسرا) و وسعت کاخ‌ها و هزینه‌های گزافی که بر سر ساخت آن‌ها به کار رفته است، تخت جمشید را مرکزی سیاسی و اداری و بازرگانی می‌دانند که تناسبی با آیین‌های مذهبی نداشته است. اما حقیقت آن است که اسناد دیوانی، هزینه‌های کارگری و سازندگی و نقش تراشی و نیز رفت‌وآمدهای پیک‌ها و مأموران دولتی در تخت جمشید همه به زمانی تعلق دارند که داریوش و خشایارشا و اردشیر آن‌جا را بنا می‌کرده‌اند یعنی فعالیت ساختمانی در آنجا زیاد بوده است. وجود جشن نوروز در زمان هخامنشی هم از شواهدی ثابت می‌شود (مثلاً وجود جشن مهرگان، زیرا که در نوروز درست آغاز سال و در مهرگان درست میانه سال را جشن می‌گرفته‌اند، ایجاد تقویم اوستایی، که شامل جشن‌ها منجمله نوروز می‌بوده - در دوره هخامنشی و نیز وجود دعای مخصوص زرتشتی بسیار کهن برای نوروز، که با اعتقادات هخامنشیان پیوند ناگسستنی دارد). از سوی دیگر در زمان ساسانی نیز با آن که استخر- جانشین پارسه- محل اصلی ساسانیان و جایگاه مذهبی و برگزاری آیین‌های دولتی (مثلاً تاجگذاری) بود، هیچ گونه مرکزیت سیاسی نداشت. با این دلایل جشن ما هنوز نظریه آیینی بودن تخت جمشید را مرجح می‌دانیم.

صفه پارسه

تخت جمشید بر روی صفه‌ای بنا شده است که کمی بیشتر از یکصد و بیست و پنج هزار متر مربع وسعت دارد. خود صفه بر فراز و متکی به صخره‌ای است که از سمت شرق پشت به کوه مهر (= کوه رحمت) داده است و از شمال و جنوب و مغرب در درون جلگه مرودشت پیش رفته و شکل آن را می‌توان یک چهار ضلعی دانست که ابعاد آن تقریباً چنین است: ۴۵۵ متر در جبهه غربی، ۳۰۰ متر در طرف شمالی، ۴۳۰ متر در سوی شرقی و ۳۹۰ متر در سمت جنوبی کتیبه بزرگ داریوش بر دیوار جبهه جنوبی تخت، صریحاً گواهی می‌دهد که در این مکان هیچ بنایی قبل از وی موجود نبوده است.

کارهای ساختمانی تخت جمشید بفرمان داریوش بزرگ در حدود ۵۱۸ ق.م آغاز شد. اول از همه می‌بایست این تخت بسیار بزرگ را برای برآوردن کوشک شاهی آماده سازند: بخش بزرگی از یک دامنه نامنظم سنگی را مطابق نقشه معماران، تا ارتفاع معینی که مورد نظرشان بود، تراشیدند و کوتاه و صاف کردند و گودیها را با خاک و تخته‌سنگ‌های گران انباشتند، و قسمتی از نمای صفه را از صخره طبیعی تراشیدند و بخشی دیگر را با تخته‌سنگ‌های کثیرالاضلاع کوه پیکری که بدون ملاط بر هم گذاشتند برآوردند و برای آن که این سنگ‌های بزرگ بر هم استوار بمانند آن‌ها را با بست‌های دم چلچله‌ای آهنی به هم پیوستند و روی

بست‌ها را با سرب پوشانیدند (این بست‌های فلزی را دزدان و سنگ‌ربایان کنده و برده‌اند؛ تنها تعداد کمی از آن‌ها را بر جای مانده‌اند). این تخته سنگ‌ها یا از سنگ آهکی خاکستری رنگی است که از کوه و تپه‌های اطراف صفا استخراج می‌شده و یا سنگ‌های آهکی سیاهی شبیه به مرمر است که از کانهای مجدآباد در ۴۰ کیلومتری غرب تخت‌جمشید می‌آورده‌اند. خرده سنگ‌ها و سنگ‌های بی‌مصرف حاصل از تراش و تسطیح صخره را نیز به درون گودها ریختند. شاید در همین زمان بوده است که با آب انبار بزرگ چاه ماندی در سنگ صخره و در دامنه کوه مهر (= کوه رحمت) به عمق ۲۴ متر کردند. پس از چند سال، صاف کردن صخره طبیعی و پر کردن گودی‌ها به پایان رسید و تخت هموار گشت. آن‌گاه شروع به برآوردن شالوده بناها کردند و در همان زمان دستگاه آب‌درگنی تخت‌جمشید را ساختند بدین معنی که در دامنه آن قسمت از کوه رحمت که مشرف بر تخت است آبراهه‌هایی کردند و یا درست کردند، و سر این آبراهه‌ها را در یک خندق بزرگ و پهن، که در پشت دیوار شرقی تخت کنده بودند، گذاشتند تا آب باران کوهستان از راه آن خندق به جویبارهایی در جنوب و شمال صفا راه یابد و به در رود. بدین‌گونه خطر ویرانی بناهای روی تخت ناشی از سیلاب جاری از کوهستان از میان رفت، اما بعدها که این خندق پُر شد آب باران کوهستان قسمت اعظم برج و باروی شرقی را کند و به درون محوطه کاخ‌ها ریخت و آن‌ها را انباشت، تا این که در هفتاد سال گذشته؛ باستان‌شناسان این خاک‌ها را بیرون ریختند و چهره بناها را دوباره روشن ساختند. بر روی خود صفا، آبراهه‌های زیرزمینی کنده‌اند که از میان حیاط و کاخ‌ها می‌گذشت و آب باران سقف‌ها از راه ناودان‌هایی که مانند لوله بخاری و با آجر و ملاط قیر در درون دیوارهای ستبر خشتی تعبیه کرده بودند، وارد آبراهه‌های زیرزمینی می‌شد و از زیر دیوار جنوبی به دشت و خندقی در آن جا می‌رسید. هنوز قسمت‌هایی از این آبراهه‌های زیرزمینی و ناودان‌های درون دیوارها را در گوشه‌وکنار تخت‌جمشید می‌توان یافت. هم‌اکنون نیز آب باران‌های شدید زمستانی از این آبراهه‌ها به در می‌رود.

آرامگاه جاماسب حکیم در خفر جهرم یکی از بناهای تاریخی استان فارس است.

به گزارش واحد مرکزی خبر، این آرامگاه روی تپه ای مشرف به روستاهای این بخش در روستای گاره در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی مرکز خفر قرار دارد. از تاریخ بنای آرامگاه جاماسب اطلاع دقیقی در دست نیست و گفته می‌شود این حکیم حاذق در زمان زرتشت پیامبر ایرانی زندگی می‌کرده و در حکمت و طبابت سرآمد روزگار خود بوده است.

وی کتابی داشته که وقایع سه هزار سال بعد از خود را پیشگویی کرده است. سنگ‌های به کار رفته در بنای این آرامگاه از نوع سنگ‌های به کار رفته در آرامگاه کورش هخامنشی است که به صورت مکعب و با طول اضلاع ۵ و نیم متر و ارتفاع ۸ متر به کار

رفته است. این بنا در تاریخ ۷۷۵ هجری قمری به دستور غیاث الدین میرمیران تعمیر شده است. هم اکنون در حال تعمیر و مرمت است.

آباد

تاریخچه شهر آباد

قدمت این شهر به بیش از هزارسال می رسد. اما توسعه و ترقی آن تقریباً از زمانی که کریمخان زند شیراز را پایتخت ایران کرد شروع شد. آثار قلعه های قدیمی مانند قلعه کهنه، قلعه نارنجی و قلعه شیرازی هنوز در اطراف این شهر دیده می شود. آباد را قبایل گرجه ای و پرنده بنا کردند، اما اهمیت و اعتبار آن به دوره کریمخان زند باز می گردد. ظاهراً به دستور او بود که این شهر آباد نامیده شد. آباد به دلیل استقرار در مسیر کوچ ایل قشقایی حائز اهمیت است .

آیا می دانید آباد زردشت کجاست؟

نیریز شهری باستانی در خاور استان فارس می باشد که دومین شهر استان از نظر وسعت بوده و جمعیتی بیش از ۱۲۰,۰۰۰ نفر دارد . نام این شهر در زمان هخامنشیان (بنابر خشت نبشته های تخت جمشید) نریه ایتیشیه بوده که در زمان ساسانیان به نگریچ (بر اساس سنگ نبشته های نقش رستم) و پس از اسلام به نیریز تغییر یافته است . در بخش جنوبی شهر نیریز ، محله ای است به نام آباد زردشت . علت نامگذاری این کوی که یکی از بزرگترین محلات نیریز است نامعلوم می باشد . این کوی در گذشته ۴ دروازه داشته است : دروازه قلعه بالا، دروازه قلعه پایین، دروازه سر تخت و دروازه شیخ بهلول . افراد محلی و کهنسال می گویند که این کوی محل حکومت زردشت شاه بوده است و دلیل خود را وجود محلی به نام باغ تخت ذکر می کنند که هم اکنون در انتهای محله واقع شده و در گذشته محل کاخ پادشاهی زردشت شاه بوده است . البته چون در طول تاریخ پادشاهی به نام زرتشت وجود نداشته است ، این احتمال وجود دارد که محله یاد شده را حضرت زرتشت (ع) پیامبر باستانی ایران ساخته و یا دستور ساخت آن را داده باشد . در دامنه کوه بلند قبله (برفدان) که در حاشیه جنوبی شهر قرار دارد ، یک رشته کاریز وجود دارد که به قنات آب زردشت معروف است و محل مظهر آن آسیاب آباد زردشت (آب زردشت) نامیده می شود که نام خود را از آسیابی به نام آب زردشت (که اکنون وجود ندارد) وام گرفته است . در سالهای اخیر شهردار نیریز (آقای رمضان امینی) نسبت به بازسازی محوطه پیرامون نهر آب آباد زردشت اقدام نموده و تفرجگاهی به نام آباد زردشت در آن منطقه ساخته است . مسجدی هم در کنار این نهر آب وجود دارد که تا پیش از نامگذاری جدید (مسجد امام علی (ع)) به نام مسجد آب زردشت خوانده می شد . لازم به یادآوری است که نام بلوار اصلی کوی آباد زردشت ، به نام شهید جمشید زردشت می باشد که

چهره معروف این شهید همراه با فرزند خردسالش در سراسر ایران مشهور می‌باشد . در دوران جنگ ۸ ساله ، ۱۱ شهید از نیریز با نام خانوادگی زردشت جان خود را فدای میهن نمودند: (جمشید ، فرهنگ ، محمدحسن ، قاسم ، بهرام ، حسن و ...) جالب است بدانید که هم‌اکنون بیش از ۲۲۰۰ نفر از شهروندان نیریزی دارای نام خانوادگی زردشت می‌باشند که به نوعی وابستگی آنها را به این کوی نشان می‌دهد . البته آنها همگی مسلمان هستند . علاوه بر این حدود ۶۰۰ نفر در گذشته نام خانوادگی زردشت را داشته‌اند که اکنون آن را تغییر داده‌اند . در ابتدای محله ، مسجدی قدیمی (با تاریخ بازسازی ۳۶۰ هجری) وجود دارد به نام مسجد جامع (جمعه) که طرح ساختمانی آن ساسانی بوده (در ایران تنها ۲ مسجد با طاق ساسانی وجود دارد : در نیریز و دامغان) که بایستی در اصل آتشکده بوده باشد . در این مسجد سروی با قدمت بیش از ۱۵۰۰ سال سر به آسمان کشیده است . در چند سال گذشته به هنگام حفاری در جلو مسجد چند کوزه پر از سکه‌های زرین باستانی یافت شد که خود تأییدی دیگر بر قدمت این کوی می‌باشد . در سالهای اخیر نام این محله باستانی را به کوی سجاد تغییر داده‌اند که البته در افواه عمومی هنوز به نام آبادزردشت خوانده می‌شود و شهرک جدیدی هم که در جنوب آن ساخته شده است را مردم شهرک آب‌زردشت (با نام جدید شهرک رجایی) می‌خوانند .